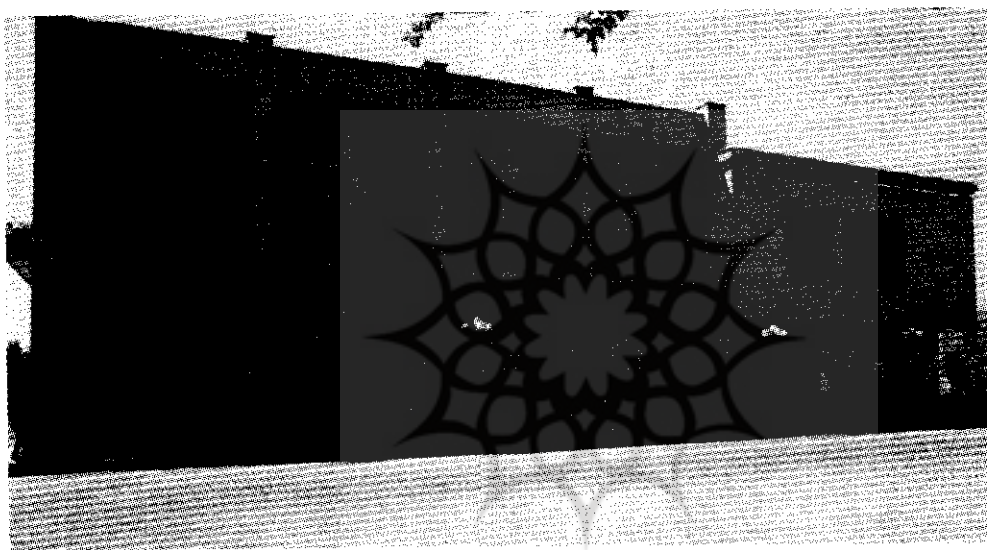


منابع

5. Brophy, Peter; Coulling, Kate. *Quality Management for information and Library Managers*. Hampshire: Aslib and Gower, 1996.
6. Kendrick, D.W., Grossman, E.S. *Productivity in the United States*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1980.
7. Van House, N.A.; Weil, B.T. and McClure, C.R. *Measuring academic library performance: a practical approach*. London: ALA, 1990.

۱. اوچاقی، میردآورد. سازماندهی فعالیت‌های بهبود بهره‌وری (راهنمای مقدماتی برای کمیته‌های بهره‌وری). تهران: سازمان بهره‌وری ایران، ۱۳۷۶.
۲. برینکر هوف، روبرت. ا؛ دوسنر، دنیس. ای. اندازه‌گیری بهره‌وری: راهنمایی برای مدیران و متخصصان بهره‌وری. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
۳. ساعتچی، محمود. روانشناسی بهره‌وری. تهران: نشر ویرایش، ۱۳۷۶.
۴. سینق، موهر. مدیریت کتابخانه و نظام اطلاع‌رسانی (نظریه و عمل). ترجمه غلامرضا فدایی عراقی. تهران: دبیرخانه هیأت امراء کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۳.



کتاب و ساختمان کتابخانه (۱)

نوشته: جان اولی، گاه‌علوم‌ان‌ف‌و مطالعات فرهنگی
ترجمه: محمدرحیم شربت‌ملکی
دانشجوی کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

یک ماده بی‌روح تنزل داده است. تولید انبوه کتابها، نظام‌های رده‌بندی و سازماندهی مکانی را بهم ریخته، طومار رویه‌های دستیابی و بازیابی به آنها را در هم پیچیده و مسئله امنیت و حفاظت از آنها را به اختلال و هرج و مرج کشانیده است. کتابخانه‌ها روز به روز متحجر شده و به صورت آرامگاه کتابها و مجلدات در می‌آیند.

نتیجه اینکه، لذت خواندن در برخی از حوزه‌های ادبیات روز به روز تضعیف شده و به خاموشی می‌گراید. کجاست آن خاصیت حیات‌بخش خواندن و کجا رفته اهمیت کتاب در

ویکتور هوگو در کتاب گوژپشت نتردام از قول یکی از مقامات کلیسای انگلستان اظهار می‌دارد که: "کتاب، ساختمان کتابخانه را از میان برخواهد داشت و بناهای عظیم کتابخانه را نابود خواهد کرد" و در ادامه می‌افزاید: "... چاپ، سبک معماری را به نابودی خواهد کشانید" (۲).

در این اواخر، به علت تأییراتی که ماشین چاپ در تولید انبوه مواد و منابع چاپی داشته، توجه به سبک معماری کتابخانه کاهش یافته است. الگوی ساختمان نیز به نوبه خود در مقام تلافی، کتاب را مورد هجوم قرار داده و آن را به مقام



این شبیه همان کشتی نوح است که باید در دریای واژگانش بادبان برافراشت و معنی آنها را مکرر فرا ساخت. سرنوشت کتاب چه خواهد شد؟ این هنرپیشه شناخته شده در صحنه نمایش دانش بشر و این ماده اولیه ساختمان کتابخانه که هم بطور استعاره آمیز و هم بطور ادبی تا همین اواخر در سبک معماری کتابخانه نقش داشت چه تکلیفی خواهد داشت؟ چه امکانات و فرصتهایی وجود دارد تا محیطی بسازیم که با احساسی از شگفتی کلماتی بیافرینیم تا خواندن و مطالعه کردن احساسات ما را به غلیان در آورد" در حالیکه قفسه‌ها لخت و عریان هستند و میزهای بسیاری چیده شده‌اند تا مانیتورهای رایانه‌ای بر روی آنها در انتظار ضربه‌ای برای ارائه پاسخ‌های متعدد خودنمایی کنند؟

کتاب، کتابخانه را می‌سازد

در زمان‌های گذشته، کتاب کتابخانه را می‌ساخت و دانش موجود با توجه به معماری آن فهرست‌بندی می‌شد. نوعی کتابخانه "که ریشه در قرون وسطی دارد" فضایی بود طویل و آغل مانند که بر آن هماهنگی معینی حاکم بود و روشنایی آن با استفاده از الگوی منظمی از پنجره‌ها تأمین می‌شد. این نوع کتابخانه‌ها بوسیله طاق نماهایی از قسمت فوقانی ساخته می‌شدند و وسعت آنها در قسمت تحتانی بوسیله مخازن کتاب "که اطافک محققین را محصور می‌کرد" تعیین می‌شد. هر کدام از این محفظه‌ها یا اطاقک‌های مطالعه که بوسیله ردیف کتابها ساخته می‌شد، اطاقی در درون اطاقی دیگر و کتابخانه‌ای در درون کتابخانه دیگر بود و بدین گونه مقوله‌ای منطقی در چارچوب گسترده‌ای از دانش بوجود می‌آمد. این هماهنگی ظریف ساختاری، روشنایی طبیعی فضای عملکردی و تفکیک حوزه‌های علوم همواره در قلب یک چارچوب نهادین برای معماری کتابخانه بوده و در طول قرن‌ها گاهی کمرنگ شده و گاهی مجدداً ظاهر شده است. اما دریغ که در همین دوران اخیر رویکردی ظاهری و تشریفاتی بر این مسؤلیت که باید مابین معماری دانش و مفصل‌بندی فضاها ارتباط مسالمت‌آمیزی جستجو و پیدا کرد سایه افکنده است. شکل بی‌نظیر کتابخانه‌های قرون وسطایی را می‌توان در ترکیب خیلی از کتابخانه‌های امروزی از جمله آکسفورد و کمبریج مشاهده کرد. در کتابخانه بودلیان در آکسفورد دوک

اکتشاف، تحقیق و آفرینش که این همه در نقاشی‌های بسیاری از صورت‌نگاران از جمله آتونلا^۱ در تابلو "قدیس غرق در مطالعه" و دوگاس^۲ از چهره نویسنده‌ای بنام ادموند دورانتی^۳ به تصویر کشیده شده؟ آیا ساختن یا یافتن مکانی برای مطالعه، تفکر و نگارش که از انبوه کتابها محصور شده است نباید اصل اساسی در تعیین الگوی ساختمان باشد؟ لویی کان^۴ در این مورد عقیده دارد:

ساختمان کتابخانه باید دارای فضایی قابل انطباق با نیازهای زمان باشد؛ فضاها و شکل حاصله از آنها به عنوان یک ساختمان باید تعبیر و تفسیر گسترده‌ای از مفهوم استفاده باشد نه اینکه فقط بخواهد برنامه‌ای برای یک سری از عملیات را پیاده کند.... کتابخانه‌ای که براساس اعتبار اولیه ابزارهای استاندارد ذخیره و مطالعه کتاب طراحی شده می‌تواند به طرحی دارای دو ویژگی فضایی مشخص منتهی شود - اولی برای مردم و دومی برای کتابها. کتابها و خوانندگان به‌طور ثابت و بی‌تحرك و براساس عناصر بی‌خاصیت با یکدیگر ارتباط برقرار نمی‌کنند. (۳)

هم اینک خود کتاب از سوی فن‌آوری دیگری بنام رایانه مورد تهاجم قرار گرفته است. این تهاجم به همین جا خاتمه نمی‌یابد بلکه در کنار آن عامل دیگری این عرصه عقلانی یعنی محیط دوست‌داشتنی کتابها را تهدید می‌کند. صنعت فن‌آوری اطلاعات ظرفیت و توان آن را دارد که قفسه‌های کتابها را تهی و عریان سازد و خواننده را در دام شبکه نامحدود خود گرفتار آورد.

در افتتاحیه نمایشگاه کتابی که اخیراً در دویلین تشکیل شد وزیر فرهنگ در تمام طول سخنرانی خوشامدگویی خود چیزی شبیه یک کتاب را در دست داشت. وی به کرات آن را با ضربه‌ای باز می‌کرد و به متن آن مراجعه می‌نمود یا با تصریح کلماتی که از قبل در مقابل چشم حضار بود نکته‌ای را که نتیجه‌گیری می‌کرد مورد تأکید قرار می‌داد آن "چیزی بود که او از اندازه و وزنش به وضوح لذت می‌برد. کتاب قابل حمل و نقل است" به سهولت می‌توان در آن از صفحه‌ای به صفحه دیگر رفت، می‌توان آن را ارزیابی کرد و آن را "آنطور که در زبان رایانه معمول است" مرور کرد. هم‌چنین، در جایی که کتابها صف بسته باشند لذت همیشگی خواندن آنها وجود دارد و



هامفری^۵ که در ۱۴۸۰ تأسیس شده و تغییراتی که بعدها در مبلمان آن داده شده مثال خیلی خوبی است. در سال‌های ۱۶۱۰ و ۱۶۴۰ در هر دو انتهای این کتابخانه بال‌های متقاطعی تشکیل شد که به بخش‌های هنرها و شلدون^۶ معروف است و کتابها به گونه‌ای دیوار مانند ردیف شده و تغییر جهت می‌دادند که نقطه چشمگیر کتابخانه بود، و در دالان‌هایی جای داده می‌شدند که ریخت‌شناسی رقابت‌آمیزی در عرصه دانش بوجود می‌آورد. تماشاگر یا بازیگری که در صحنه قرار دارد با منظره‌ای از علوم گرد آمده و منظم روبرو می‌شود که با تالار یادمان کامیلو^۷ در یک راستا قرار دارد. کتابها سبک معماری کتابخانه را تعیین می‌کنند.

سالها بعد، این ریخت‌شناسی دوم در قالبی پرطمطراق در پروژه مشهور بولی^۸ برای تالار مطالعه کتابخانه روی^۹ ارائه می‌شود. در این کتابخانه نوشته‌ای مقتدرانه که نشان از قدرت نهفته در پیکره علم است، برای القای اقتدار و توانایی گردآورنده کتابها وجود دارد تا نفوذ او را به رخ هر بیننده‌ای بکشد و او را به خشوع وا دارد. حضور مراجعه‌کننده مکمل این صحنه است که به نظر می‌رسد تحت‌الشعاع حجم عظیم کتابها قرار گرفته است. جای جای این تالار وسیع کتابها هر آن به منظور نظارت و مراقبت قابل رؤیت است و هیچ کنجی از آن برای مطالعه بدون مراقبت وا گذاشته نشده است. اما قبل از اینکه عسرت و سختی دوره نئوکلاسیک آمادگی محیط را برای پژوهش از میان ببرد و فضای تحقیق را فرو نشاند، تالار کتابها در کتابخانه‌های صومعه‌های سبک باروک در سنت فلورین^{۱۰} و سنت گالن^{۱۱} به ارتفاع خیره‌کننده‌ای دست یافت. ردیف‌های لذت‌بخش دیوارهای پر از کتاب معماری فضا را شکل می‌داد که از دل دیوار از کنار ستون‌های ساختاری بیرون‌زده بود و گاهی نیز این ردیف‌ها از یکدیگر جدا می‌شدند تا بارانی از نور آنها را بطور مستقل جلوه‌گر سازد و همه آنها در سقف طاق‌داری که از شمایل‌های نقاشی شده مملو بود تلفیق می‌شد. کتابخانه از لحاظ شکل و اندازه از عظمتی چشمگیر برخوردار می‌شود. ستون‌های پوشیده از کتاب که پایه‌های دانش هستند، تکیه‌گاه این مکان روح‌افزا به شمار می‌آیند به نحوی که کل جهان هستی به منزله متنی گشاده و فضا دار به نظر آید. این ترکیبی تمام عیار از باز نمایی معماری "کتاب"

فضا و دانش است که فصیح و گویا به نظر می‌رسد. برخلاف تقسیم‌بندی دانش که در ساختار اطاقک مانند ساختمان‌های قرون وسطی بوجود آمده و تثبیت شده بود کتابخانه سبک باروک این جداسازی را در بین حوزه‌های علوم رها ساخت تا امکان ارتباط فضا دار در عرصه دانش فراهم آید.

به نظر می‌رسد که دوره باروک می‌خواهد یگانگی رده‌بندی دانش را که بوسیله معماری کتابخانه تحمیل شده بود آزاد سازد تا به یک چندگانگی ارتباطی دست یابد. این پدیده ممکن است کتابدار را از نظر معماری از بن بست نجات دهد. همانطور که لایب نیتز^{۱۲} بیان داشته: "یک حقیقت واحد ممکن است بسته به محتوای آن در مکان‌های مختلف بکار رود". (۴) مرتب کردن کتابها برحسب قطع آنها در قفسه‌ها قرابت نزدیکی با قرائت مرتب یک متن دارد.

اما آیا این تکثیر فکروانه از تقارن مابین سازماندهی فضایی کتابها و الگویی از معماری دانش بشر می‌تواند در مواجهه با مقادیر روزافزون کتابها و تقسیمات همواره رو به رشد درون حوزه‌ای همان دانش ادامه یابد؟ در چنین شرایطی بود که ذخیره‌سازی و بازیابی به عنوان راه‌حل مطرح شد. دستور بازیابی کتابی از مخزن داده می‌شد ولی انبوه کتابها مانع از آن بود که به راحتی پیدا شود. و چون پیدا می‌شد تحت نظارت و نگاه‌های تیزبین فرد مراقب در اطافی وسیع که محل اصلی نگهداری آن نبود مورد مطالعه قرار می‌گرفت. با این حال این سالن وسیع مطالعه می‌توانست به گردآوری بخش عظیمی از مجموعه دانش تحقق بخشد. برای مثال سالن مطالعه مدور موزه بریتانیا به نام سالن آموزش اسمیرک^{۱۳} یک کتابخانه مرجع بود که نوعی فهرست غیرمستقیم برای دانش به حساب می‌آمد و از دیده‌ها پنهان بود و البته در این اواخر هم به خارج از آن محل انتقال یافته است. نزدیک به مرکز این مکان حلقه فشرده‌تر دیگری با استفاده از قفسه‌هایی مشتمل بر فهرست برگه‌ای از کل مجموعه شکل گرفت. و در کانون این عرصه کتابها و تحت گنبد آسمانی آن این محقق نبود که جای می‌گرفت بلکه کتابدار بود که در چنین موقعیتی قزاق دانش^{۱۴} و این جایگاهی ممتاز بود برای جستجوی عمیق این چشم‌انداز دانش و البته فرارگاهی برای مراقبت و نظارت. دیدگاه جرومی بنتام^{۱۴} در اینجا از این لحاظ به واقعیت می‌پیوندد که



دارای تاریخچه‌ای طولانی است و ریشه‌های آن در قرن شانزدهم قرار دارد، در عین حال در عصر حاضر با ورود رایانه واقعیت جدیدی به خود می‌گیرد. پدیده مطلوب اینترنت نه تنها فهرست‌های کتابخانه‌های دیگر را قابل دسترسی و جستجو می‌سازد بلکه خود منابع را می‌توان از طریق صفحه رایانه یا نسخه‌های چاپی آن ملاحظه و مطالعه کرد. اینک کتابخانه به عنوان یک مکان در فضای سایبرنتیکی ذوب و حل می‌شود و جایگاه آن غیرمادی است. آنچه باقی می‌ماند یک مانیتور تنهاست روی میز و یک کابل ارتباطی.

تنظیم محتوای فضایی کتابخانه

در مورد مجموعه‌های بزرگ مسائل ساختاری اداره کردن کتابها شکل و عملکرد کتابخانه و شیوه مدیریت آن را از میان برده است. حجم روزافزون کتابها بین خواننده و جایگاه نگهداری آنها فاصله انداخته و موجب پیدایش یک نظام فهرست‌نویسی شده که در آن به جای اینکه فضاهایی را به مجموعه‌ها اختصاص دهند شمارشی و ردیفی است. پذیرش جهانی این شیوه هر کتابخانه‌ای را با هر شکل و اندازه و گرایش موضوعی ناگزیر کرد که از آن نظام تبعیت کند. جدایی نظام فهرست‌نویسی از منابع کتابخانه "که در فضاهای مختلف وجود داشت" نقش عمده‌ای در بروز ابتدال در معماری کتابخانه و در تأیید جداسازی خواننده از مخازن نگهداری کتابها داشت.

سیک معماری کتابخانه از معماری فهرست آن تبعیت می‌کند. هر کتابخانه از لحاظ شکل و ترکیب موجودی‌هایش منحصر به فرد است. حتی مطلوبترین نظام ذخیره‌سازی، ذهنیت خطی نظام فهرست‌نویسی عددی را به بیراهه می‌کشاند. هر نظام ذخیره‌سازی دارای مدخل، برتری‌ها و نقاط قوتی است که دستیابی به قسمت‌های معینی از مخزن را یا آسان می‌سازد یا پیچیده و دشوار می‌کند. رایج‌ترین نظام رده‌بندی موضوعی برای اینکه استفاده کردن از آن راحت باشد ممکن است از ردیف‌بندی متوالی خود خارج شود. بعلاوه اینکه هیچ مجموعه‌ای ثابت و بدون تغییر نیست؛ مجموعه رو به رشد است، تأکید و اهمیت محتوایی آن تغییر می‌کند، رشته‌های علمی جدیدی بوجود می‌آیند، رشته‌های دیگر

تشکیلات هندسی متمرکز در نالار مرور اسمیرک خوانندگان را در امتداد خطوط شعاعی قابل رؤیت توزیع می‌کند و نظارت عمیق بر آنها را امکان‌پذیر می‌سازد. در چنین شرایطی کتابدار نقش یک میانجی را برعهده می‌گیرد به نحوی که از یک سو سازمان دانش بشر را تعیین می‌کند و از سوی دیگر طرح فضایی آنرا با کدهای عددی و بی‌روح جایگزین می‌سازد و البته در این کار اولویت‌ها و تمایلات حرفه‌ای را لحاظ می‌دارد. بیشتر "هر کسی برای خود کتابداری بود که در سالن گام بر می‌داشت" در میان کتابها تورق می‌کرد با حرکت خود از مخزنی به مخزن دیگر و از قفسه‌ای به قفسه دیگر طرح جدیدی برای منطبق متوالی و بی‌روح فهرست می‌ریخت که همگی قابل دسترس بودند. هر کسی می‌توانست دنیایی برای خود مجسم سازد دنیایی پس از صحنه‌های درخشان که برحسب تصادف حادث می‌شد و کتابخانه شخصی خود را تشکیل می‌داد در حالیکه در مجاری پیچ در پیچ فراگیری علم و دانش به رقص و پایکوبی می‌پرداخت. دریا که اکنون از طریق میانجی باید در دسترس قرار گیرد. و اینک کتابدار به نگهبان کتاب تبدیل شده است و نه اشاعه‌دهنده دانش.

اما اگر به لحاظ ضرورت "کتابخانه" برای خوانندگانش به علت افزایش دائم حجم کتابها تا حد یک فهرست تنزل مقام یابد همان اتفاق می‌افتد که منابع مالی یا شرایط کار فراهم‌آوری منابع را محدود می‌کند. باید راه‌حلی‌هایی پیگیری و کشف می‌شد. در قرون هفدهم و هجدهم کتابخانه‌ها بوجود آمدند کتابخانه‌هایی که نمایشگاه یا ساختمانی پس از کتاب نبودند بلکه "مجموعه و انبوهی از آثار متعدد از یک موضوع یا از مؤلفانی که آثاری در یک زمینه واحد را گردآوری کرده بودند". (۵) این کتابخانه‌ها که شکل فشرده‌ای از سالن مطالعه موزه بریتانیا بودند، می‌توانستند شکل دیگری به خود بگیرند به نحوی که در آن جز یک فهرست وجود نداشت و آن مجلد واحدی بود که هر اثر ادبی در آن فهرست شده و در خود جای داده بود و این کار در ساختمانی واحد انجام نمی‌گرفت بلکه در مجموعه‌هایی در سرتاسر جهان توزیع می‌شد. به این ترتیب "دنیای بسته تک‌تک کتابخانه‌ها می‌توانست به جهانی بی‌پایان از کتاب‌های مشهور نقد شده، بازبینی شده، مورد مراجعه و بالاخره امانت رفته تبدیل شود". (۶) اگر چه این فکر



ادغام شده یا عمر آنها به پایان می‌رسد، در همین حال باید این مجموعه را در فضای معینی از ساختمان کتابخانه جای داد. کتابدار ناچار است معمار مجموعه باشد، با خلاقیت و توانمندی مواد آن را گردآوری کند و در فضای کتابخانه سازمان دهد و آن را برای الهام‌بخشی و راحتی خواننده آماده سازد. با فراهم‌آوری‌های آتی مواد کتابخانه، که بیشتر در فضای سایبرنتیکی انجام خواهد گرفت و کمتر در قالب فیزیکی روی قفسه‌های کتابخانه حضور خواهد داشت، کابوس سازماندهی و مدیریت مجموعه‌های وسیع از میان خواهد رفت. همچنین باید گفت که با فرو ریختن مرزهای سنتی ما بین رشته‌های علمی و بروز نیاز به ایجاد ارتباطات پیچیده و درهم تنیده ما بسین تقسیمات دانش، مشابهت در فضاهای کتابخانه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. با چنین توصیفی کتابدار لازم است بیشتر معمار فهرست کتابخانه باشد تا گردآورنده آن.

معماری متن

راجر کارتی^{۱۵} در کتاب "نظم کتابها"^{۱۶} تأثیر نحوه ارائه متن بر فرآیند مطالعه و درک کردن را مورد بحث قرار می‌دهد. تنظیم واژه‌ها در روی صفحه، قالب و اندازه حروف همراه با حاشیه‌پردازی متن توان بالقوه‌ای برای ایجاد تغییر در تعبیر و تفسیر محتوای متن نوشته را دارد.

"اگر متون مختلف از قید قالبی که سالها از زمان اولین قرون عصر مسیحیت بوده‌اند رها شوند - کدکس، کتابی ساخته شده از اوراقی که از آن انواع گوناگون مواد چاپی شناخته شده امروزی مشتق می‌شود - با همان علائم مشخصه همه فن‌آوری‌های فکری و همه اعمالی که هم اینک در ایجاد معنا بکار می‌روند، تغییر خواهد یافت. دی‌اف‌مکنزای^{۱۷} یادآور می‌شود که: "قالب معنا را تحت تأثیر قرار می‌دهد" و این درس او که باید آن را عمیقاً فرا گرفت، به ما هشدار می‌دهد که باید در برابر این خیالات واهی که متن را به غلط به محتوای ظاهری علائم تنزل می‌دهد ایستادگی کرد. وقتی متن از کدکس به صفحه مانیتور تغییر مکان می‌دهد دیگر به واقع عین همان متن نیست زیرا ابزارهای رسمی نوینی که متن را به خواننده عرضه می‌کنند شرایط درک و دریافت آن را تغییر می‌دهند." (۷) زمینه‌ای که متن در آن مطالعه و درک می‌شود ممکن است

تحت تأثیر وضعیت آن متن در فهرست حوزه‌های مختلف دانش شکل پذیرد و اینکه این حوزه‌های علوم در نقاط مختلف قفسه‌های کتابخانه چگونه بخش می‌شود. معماری فضایی دانش ممکن است آشکارا مشخص باشد یا با کنار هم قراردادن و ایجاد ارتباط حاصل آید.

بعلاوه اینکه دریافت و درک متن ممکن است تحت شرایط محیط فیزیکی و محیط روانشناسانه‌ای قرار داشته باشد که قرائت می‌شود. در همین اواخر بسیاری از کتابخانه‌ها تصویری که از استفاده‌کننده داشتند این بود که او را به منزله ماشین مطالعه‌ای می‌پنداشتند که در کارخانه‌ای از تعلیمات و دستورات مختلف قرار داشت و تحت شرایط معینی از مکانیزم بصری قرار می‌گرفت تا کار کند و سایر عوامل محیطی غیرمحسوس - مانند صوت و حرارت - را تا حد بی‌تفاوتی کاهش دهد این ماشین در محیطی در حد فاصل بین لرزیدن از سرما و عرق ریختن از گرما قرار می‌گیرد و موقعیتی شبیه بی‌حسی فراهم می‌آورد که به آن "راحتی" می‌گویند. فضای حاصله ممکن است از نظر فیزیولوژیکی گرم ولی از نظر روانشناسی سرد باشد و بالاتر از همه از نظر فکری خالی از ذهن باشد که محیطی است عقیم و بی‌حاصل. نقطه مقابل این حالت عبارت است از کتابخانه‌ای که لازم است محیطی انسان محور فراهم بیاورد بطوری که دارای امکانات گزینشی غنی است و بر احساسات و روان آدمی تکیه دارد.

چه چیزی می‌تواند با تجربه ملموس یک کتاب موجود در دست یا روی میز چوبی برابری کند که دست زدن به آن گرمی‌بخش است و هر یک به محدوده‌ای از کتابها منتهی می‌شود. شما می‌توانید با روشنایی و با یک نظر به مطالعه پردازید و برای این کار نیازی نیست که به سرزمینی دور دست بروید؛ شما می‌توانید در داخل آن و با استفاده از کتاب‌های صف بسته و همسفرهایی که در جستجوی آگاهی واقعی گرد هم آمده‌اند به بررسی پردازید. در حالت دیگر شما ممکن است در دنیایی از کتابها محصور شوید که از دنیای خارج فاصله دارد یا به فضایی راکد که در آن فقط متن را در روبروی خود دارید، منتقل شوید. اولویت‌ها ممکن است در طول زمان قطعی یا متغیر باشد. و همه این تنوع‌ها باید در جهت تدارک طبیعی معماری و محیط فیزیکی باشد که آنها می‌آفرینند.



یادداشت‌ها

1. Antonella
2. Degas
3. Edmond Duranty
4. Louis Kahn
5. Duke Humfrey
6. Arts End and Sheldon End
7. Camillo's Memory Theatre
8. Boullée
9. Bibliotheque du Roi
10. St Florain
11. St Gallen
12. Leibniz
13. Smirke's theatre of Learning
14. Benthamite
15. Roger Chartier
16. The Order of Books
17. DF Mckenzie

متن معماری

ارزشی که کتابخانه از سوی مؤسسات، مقامات، یا فرهنگ حاکم و بواسطه مجموعه‌اش کسب کرده و برنامه معماری و زیباسازی ساختمان آن می‌تواند شرایط لازم ترغیب برای مطالعه کردن را تعیین و حرکات دسته جمعی ذهن و فکر را رهبری کند.

کتابخانه‌های قرون وسطایی در عصر رنسانس در محفظه‌هایی نامشخص و بی‌هویت جای داشتند. هر واحد ساختمانی آن، که مرتباً تکرار می‌شد، و با نور وارده از پنجره‌هایی منظم و هماهنگ مستحکم‌تر نشان می‌داد تنها استخوان‌بندی فضای محصور بوسیله ساختار محقر آغل مانند آنرا تشکیل می‌داد. حیات و غنای فعالیت موجود در آن بود که جزئیات درون آن را تعیین می‌کرد تا آن را از جنبه‌های عملکردی تعریف کند. زمانی که "عصر روشنگری" فرا رسید هزینه‌ها برای برپایی بناهایی عظیم افزایش یافته بود، بناهایی که در آن فکر شکوه و جلال و عظیم‌نمایی آگاهانه، مهمتر از تدارک مکانی برای انجام فعالیت‌های کتابخانه مطرح بود.



منابع

1. John Olley. The Book And The Building "The Art Of Reading". Library builders, Great Britain, 1997.
2. Victor Hugo, The Hunchback of Notre - Dame, trans WJ Cobb, New American Library (New York) , 1965, PP 174-75.
3. Louis I Kahn, Space form Use: A Library, Pennsylvania Triangle, vol 43, December 1956, P 43.
4. GW Leibniz, New Essays Concerning Human Understanding, trans AG Langley, Macmillan (New York), 1896, P 623.
5. Furetiere, Dictionnaire, 1690, quoted in Roger Chartier, The Order of Books, trans LG Cochrane, Polity (Cambridge), 1994.
6. Roger Chartier, op cit, P 70.
7. Ibid, P 90.